

شاخصه‌های تحلیلی و آسیب‌های محتوایی آثار شرق‌شناسان

ناهید طیبی*

مقدمه

حوزه پژوهشی شرق‌شناسی یکی از حوزه‌های مهم پژوهشی در نظر بسیاری از اندیشه‌ورزان و پژوهش‌گران غربی است. گستره مبحث شرق‌شناسی به ادیان شرقی، آداب، فرهنگ و تمدن شرقی کشیده شده و گاه تسامحاً به اسلام و تاریخ اسلام محدود می‌گردد و به اسلام‌شناسان غربی، مستشرق یا شرق‌شناسان گفته می‌شود.

بررسی محتوای نگاشته‌های شرق‌شناسان و تحلیل‌های آنان از وقایع و رخداد‌های مربوط به اسلام و مسلمانان، به‌ویژه شیعه و تشیع، موجب می‌شود انگاره‌ها و نظام فکری و تحلیلی آنان در مورد دین اسلام و شاخصه‌های آن ترسیم گردد. نمی‌توان در مورد شرق‌شناسان و نگاشته‌های آنان قضاوت کلی کرد، اما آنچه از اکثر آثار، ایده‌ها و تحلیل‌های ارائه شده، وجود نوعی پیش‌داوری‌ها و تأثیر پیش‌فرض‌ها و دخالت برخی ملاحظات و تعصبات دینی، سیاسی و حتی فردی، در پاره‌ای موارد برداشت می‌شود.

* مدرس جامعه‌الزهرا

نخستین گام برای نقد محتوایی و تحلیل آثار شرق‌شناسان در مورد اسلام و تشیع، تنظیم شاخصه‌های نظام فکری آنان با توجه به مطالعات گسترده در مجموعه آثار است و سپس بررسی مصداقی تحلیل‌ها در مورد مؤلفه‌های اساسی دین اسلام در درجه دوم قرار می‌گیرد. معمولاً هر نظریه‌پرداز و تحلیل‌گری، بر اساس مقدمات و معلومات ذهنی خویش و دانسته‌های پیشین، به تعریف، تحلیل و استنتاج می‌پردازد و چارچوب نظری و مهندسی معرفتی نویسندگان در سرتاسر نگاه‌های آنان رخ می‌نماید. از این رو با بررسی ایده‌ها و تحلیل‌ها می‌توان به شاخصه‌ها دست یافت و هم‌چنین با در دست داشتن شاخصه‌های فکری می‌توان تحلیل‌ها را پیش‌بینی نمود.

ضرورت بحث

به نظر می‌رسد روشن‌گری واقع‌بینانه و تنزیه و تنقیح آثار موجود در حوزه تاریخ اسلام و مبارزه با تحریف‌ها و تحلیل‌های جهت‌دار، ضرورت پرداختن به این‌گونه مباحث را تعیین می‌نماید. نکته دیگری که ضرورت پردازش دیدگاه‌های شرق‌شناسان در مورد اسلام، و نقد و بررسی این دیدگاه‌ها را ایجاب می‌کند، وجود پیرایه‌ها، شبهات و مباحث التقاطی بحث‌برانگیزی است که دامنه آن از محافل علمی به سطوح عادی جامعه می‌رسد و موجبات تحیر و سردرگمی پاره‌ای از باورمندان را فراهم می‌سازد و وظیفه انجمن‌های علمی و پژوهشی، تنزیه اطلاعات از این پیرایه‌ها و تبیین واقعیت‌ها و دادن اطلاعات صحیح و ناب است. البته باید در نظر داشت که تمام آثار شرق‌شناسان را نمی‌توان حاوی مضامین فوق دانست و به طور نسبی باید داوری کرد. در تقسیم‌بندی کلی می‌توان آثار شرق‌شناسان را به دو دسته تقسیم نمود:

الف) آثاری که تا قبل از اواخر قرن نوزدهم نگاشته می‌شد و غالباً به انتقاد و گاه تحقیر و توهین اسلام و برنامه‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌پرداختند. موضوع اکثر این آثار، عاریه‌ای بودن دین اسلام بود؛ به این معنا که فلسفه اسلامی از حکمت یونانی گرفته شده و کلام اسلامی همان مباحث لاهوتی است که یهود و

نصارای تازه مسلمان وارد دین اسلام کردند و حقوق اسلامی از قوانین رومی گرفته شده است.^۱ بحث خشونت‌آمیز بودن بخش‌هایی از احکام اسلام و تاریخ اسلام و مبحث زن در اسلام و به ویژه تعدد زوجات پیامبر ﷺ و علل آن و مخالفت دین اسلام با هنر و مظاهر شفاف هنری همچون موسیقی، مجسمه‌سازی و... از دیگر مباحث است که تا قبل از قرن بیستم در کتب شرق‌شناسان تحلیل و بررسی شده و دست‌آویز برخی نویسندگان متعصب و غیر منصف برای تحقیر و تضعیف اسلام گردیده است.

ب) از اواخر قرن نوزدهم در برابر توهین‌ها و تحقیرهای مستشرقان، از سوی گروه‌های دیگری از نویسندگان شرق‌شناس حساسیت‌هایی به‌وجود آمد و شاهد چاپ و نشر آثاری هستیم که بعضاً به دفاع از حریم اسلام و پیامبر پرداخته‌اند. گفتنی است که مسلمانان نیز در برابر سخنان نادرست پاره‌ای مستشرقان سکوت نکرده و آثاری بر جای نهاده‌اند اما گویی وجدان غرب در مورد اهانت‌های مستشرقان به اسلام اندکی بیدار شده باشد، آثار جدیدی با مضامین تازه دیده می‌شود. کتاب *عذر تقصیر به پیشگاه محمد ﷺ و قرآن*^۲ و کتاب *الأبطال* (قهرمانان) نگاشته توماس کارلایل، تاریخ‌نگار و فیلسوف انگلیسی، نوشته‌هایی از این دست هستند و پس از این آثار، تغییرات زیادی در نگاشته‌های غربی می‌بینیم. کارلایل معتقد است کینه جنگ‌های صلیبی و تعصب مذهبی رؤسای مسیحی و بی‌اطلاعی از کتاب‌هایی که حقایق، اصول و مزایای دین اسلام و پیامبر را نگه‌داشته‌اند، دلایل اصلی بغض مسیحیان به اسلام و پیامبر ﷺ است و هنگامی که اواسط قرن نوزدهم قرآن به زبان‌های اروپایی ترجمه شد، شعاع علم آنها وسعت گرفت.^۳ در پانوش کتاب مذکور به نقل از ریتشارد جازیب نوشته شده که پس از چاپ کتاب کارلایل و بیان شمه‌ای از حقایق و مزایای اسلامی

۱. نک: استودارد، لوتروپ، *امروز مسلمین یا عالم نو اسلام* (همراه با حواشی امیرشکیب ارسلان)، سید احمد مهندب، ص ۲۰۹، شرکت طبع کتاب تهران، ۱۳۲۰.

۲. جان دیون پورت، غلامرضا سعیدی چاپ دوم، شرکت حاج محمد اقبال ۱۳۵۵.

۳. نوشته *الباطل* بخش زندگانی محمد ﷺ با مقدمه و تعلیق عباسقلی واعظ چرندایی، ابو عبدالله زنجانی.

در آن، اشخاص مستعد و بی‌غرض تکان خوردند و کتاب *عذر تقصیر* به پیشگاه محمد و قرآن پس از این کتاب به چاپ رسید. آثار خانم آنه ماری شیمل نیز سرشار از نوشته‌های تکریم‌آمیز در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اسلام است که بیشتر با بیانی احساسی و شاعرانه بیان شده و کمتر به تحلیل‌های پژوهشی در آثار وی برمی‌خوریم.^۱

مفهوم‌شناسی

پیش از ورود به مبحث اصلی، پرداختن به دو واژه کلیدی بحث ضروری است. در مورد مفهوم «مستشرق» و «شرق» تعاریف متنوع و متعددی ارائه شده اما می‌توان به چند تعریف بسنده نمود و بحث را پی گرفت.

شرق در لغت به معنای برآمدن آفتاب و تابان شدن است و گاه بر جهتی که خورشید از آن برآید، شرق گویند. از نظر اصطلاحی، ممالکی که در مشرق کره زمین قرار دارند، «شرق» محسوب می‌شوند و به مجموعه کشورهای آسیایی نیز «شرق» گفته می‌شود.^۲ واژه شرق، گاه به معنای شرق جغرافیایی به کار می‌رود که به تناسب مکانی و زمانی متغیر است و به جایگاه مکانی گوینده بستگی دارد. برای مثال، مسلمانان به کشورهایی که در مشرق شبه‌جزیره عربی وجود دارند، شرق می‌گویند؛ همان‌گونه که به کشورهای غرب، شبه‌جزیره مغرب اطلاق می‌گردد. پس از کشف امریکا، اروپاییان و دانش‌مندان غربی به مشرق کره زمین شرق می‌گفتند و این مسئله امروزه اصطلاحی پذیرفته شده است.^۳

هنگامی که از شرق‌شناسی و شرق‌پژوهی سخن به میان می‌آید؛ به تمام ادیان، آداب، سنن و تمدن ملت‌های شرقی توجه می‌شود و در نوشتار حاضر نیز منظور از شرق همان ادیان مشرق‌زمین به‌ویژه اسلام است.

۱. آنه ماری شیمل، محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسول خدا، حسن لاهوتی، چاپ ۱۳۸۵.

۲. نک: علی‌اکبر دهخدا، *لغت‌نامه*، تهران، دانشگاه تهران، دوم [دوره جدید]، ۱۳۷۷.

۳. نک: السعدی، الحق بن عبد الله، *تمیز الامة الإسلامية مع دراسة نقدية لموقف المستشرقين منه*، ج ۱، ص ۲۲۹، جامعه الامام محمد بن مسعود، عربستان، ۱۴۲۶.

مستشرق نیز از نظر لغوی به معنای روشن و تابان و شرق‌شناس (خاورشناس) است و به کسی که در مورد مسائل مشرق‌زمین تحقیق می‌کند، مستشرق گویند.^۱ در واقع شرق‌شناس در زمینه تدریس و نگارش در مورد شرق تلاش می‌کند و به علوم انسانی، جامعه‌شناسی، تاریخ، علم فقه و... توجه دارد.^۲ نویسنده کتاب *تمیز الامة الاسلامیه* پس از بیان تعاریف مختلف از مستشرق و استشراق می‌نویسد:

استشراق حرکت فکری است که دراسات آن بر لغت عربی و دین اسلامی متمرکز می‌شود؛ زیرا در این صورت امت اسلامی را می‌توان دریافت.

دیتریش دامنه تعریف را گسترده‌تر کرده و معتقد است، مستشرق به تدریس در مورد شرق و شناخت آنان که مستلزم آشنایی با لغات شرق (اعم از عربی و غیر آن) است، می‌پردازد. بر اساس این تعریف، آشنایی با لغت پارسی، چینی و... نیز در محدوده کار وی قرار می‌گیرد.

نکته مهم دیگر که در این بخش مطرح است، انگیزه شرق‌شناسان از پرداختن به پژوهش در مورد شرق و اسلام است. در مورد انگیزه مستشرقان از پژوهش در حوزه شرق و ادیان شرقی مطالب زیادی بیان شده است. اکثر کتب موجود، از نویسندگانی است که در کشورهای شرقی مأموریت‌های سیاسی یا نظامی داشته‌اند و از این فرصت برای نوشتن مشاهدات خویش بهره جسته‌اند. این گروه با همان دیدگاه سیاسی خود به شرق و شرقیان، سفرنامه‌ها و خاطرات خویش را به نگارش درآورده‌اند. سرپرسی سایکس، کریستین سن، ادوارد براون و... از این دست نویسندگان هستند. دکتر میشل حجا انگیزه مستشرقان در گرایش به این نوع نگاشته‌ها را در ده مورد بیان می‌کند: انگیزه‌های دینی، تبشیری، استعماری، سیاسی، علمی، تجاری، جغرافیایی و استراتژیک، شخصی

۱. ج ۱۳، ص ۲۰۸۲۱. *لغت‌نامه دهخدا*،

۲. سعید، ادوارد، *الاستشراق*، ترجمه (عربی) کمال ابودیوب، ص ۳۸، چاپ دوم، مؤسسه الابحاث العربیه.

و جاذبه قصه‌های هزار و یک شب^۱ در کتاب *تمیز الامة الاسلامية* این انگیزه‌ها به دینی، سیاسی، اقتصادی و علمی تقسیم شده است.^۲ ضرورت دارد، چنان که گفته شده «هدف الاستشراق و المستشرقین هو الاسلام و مفتاحه اللغة العربية».^۳

ب) برداشت‌های شخصی و تکیه بر حدسیات

در اغلب نگاشته‌های مستشرقان به برداشت‌های شخصی و غیرکارشناسانه آنان برمی‌خوریم که بدون رجوع به متخصص در لغت عرب و یا علم تفسیر و یا حدیث، به انگاره‌های خویش بسنده نموده‌اند. برای نمونه همیلتن گیب در بخشی از کتاب خود به نام *اسلام و بررسی‌های اسلامی* می‌نویسد:

در یکی از قدیم‌ترین قرائت‌های یکی از سوره‌های قرآن!...^۴

این آیه شریفه به هیچ عنوان در صدد بیان مطلب برداشتی گیب نیست؛ به علاوه، منظور وی از قدیم‌ترین قرائت، مشخص نیست و این مطلب حدسی بیش نیست که بر ایده تحول و تکامل سبک قرآن و دین اسلام مبتنی است. در کتاب وی به واژه‌هایی چون "Arab Idea" به معنای اندیشه عربی و "Arab erthum" و «امة المحمدية» برمی‌خوریم که دین اسلام را شخصی و نژادی جلوه می‌دهد و این نوع برداشت نیز از حدسیات بسیاری از مستشرقان است که گاه رد پای انگیزه سیاسی یا تعصب دینی و غیره در آن دیده می‌شود.

ج) مقطعی و منطقه‌ای دانستن دین اسلام و تعالیم اسلامی

محدود نمودن گستره دین اسلام یکی از شاخصه‌های تحلیل‌ها و محتوای آثار مستشرقان است. برای این منظور اسلام را قائم به شخص کرده، «دین محمدی» می‌دانند؛ با این استناد که مسیحیت با انتساب به حضرت مسیح و زرتشتیان با انتساب به پیامبر خود نام گرفته‌اند. در مواردی از تعبیر «دین عربی» استفاده می‌کنند و این شریعت را مختص اعراب می‌دانند که برای جهان غیرعرب حرفی

۱. *الدراسات العربية الاسلامية في اوروبا*، چاپ اول، ص ۱۹. معهد الانماء العربي، بیروت ۱۹۸۲.

۲. ص ۲۸۷ - ۲۹۲.

۳. همان، ص ۲۳۵.

۴. ما کان ابراهیم یهودیاً و لا نصرانیاً و لکن کان حنیفاً مسلماً.

ندارد! بروکلیمان^۱ و جاک بین ریسler معتقدند که «ان الاسلام للعرب فقط» و مویر^۲ معتقد است، چون محمد تنها در بلاد عرب زیست، ذهن و تفکر او غامض بود و دین او تنها برای عرب ابلاغ شد.^۳ وی در کتاب *زندگانی محمد* که چهار جلد است نیز بر این مسئله اصرار می‌ورزد که اسلام دین اعراب است نه عموم بشر. ما در جای خود به جهانی بودن دین اسلام با توجه به آیات و روایات اشاره خواهیم داشت. دکتر شوقی ابوخلیل با ذکر دیدگاه‌های شرق‌شناسان در این مورد، به بحث و نقد دیدگاه‌ها می‌پردازد.^۴

(د) برجسته‌نمایی مسائل اختلافی درون‌دینی

از جمله شاخصه‌های تحلیلی مستشرقان می‌توان به بزرگ‌نمایی و به عبارتی برجسته‌نمایی اختلافات موجود بین فرق اسلامی اشاره نمود. دامن زدن به مبحث ملیت‌گرایی با تعبیر پان‌عربیسم و یان‌ایرانیسم و قرار دادن برخی از وقایع و رخدادها در مهم تاریخ اسلام تحت همین عنوان و پافشاری بر این گونه تحلیل‌ها در بسیاری از آثار مستشرقان دیده می‌شود. کتاب *اسلام در ایران؛ شعوبیه* که شامل دو مقاله از ر. ناث، استاد دانشگاه هند و گلدزیهر، مستشرق معروف است، بارزترین نمونه این دست آثار به شمار می‌آید.^۵ لوتروپ استودارد به این مسئله اشاره کرده، می‌نویسد:

گودفرادمو مبین، صاحب کتاب *تاریخ عالم* در این باب [رابطه عرب و ایرانی] شرحی نوشته به روش اروپایی‌ها که حریصند در تاریخ به اندیشه خود برای هر چیز سببی بنویسند، گو این که درست نباشد و...^۶

۱. نک: کارل بروکلیمان، *تاریخ الشعوب الاسلامیه*، ص ۷۰، نیبه امین فارس، دارالعلم للملایین، بیروت ۱۹۴۸.

2. Muir.

۳. خلیفه، ص ۳۴ - ۳۵.

۴. *اضواء علی مواقف المستشرقین و المبشرین*، چاپ دوم، ص ۸۷، جمیعة الاعددة الاسلامیة العالمیة. طرابلس، ۱۴۲۸.

۵. محمود رضا افتخارزاده، چاپ اول، مؤسسه نشر میراث‌های اسلامی و ایران، تهران ۱۳۷۱.

۶. ص ۱۹۸.

برجسته‌نمایی اختلاف حسینیان و حسینیان (فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام و امام حسین علیه السلام) نیز مورد توجه مستشرقان بوده، هم‌چنین برخی از آنها به اختلاف اقوال در مسائل جزئی و حتی اختلافات سلیقه‌ای نیز در مواردی دامن زده‌اند. ارنست رنان با بیان همین جزئیات می‌نویسد:

ایرانیان نخست شیعه هستند و سپس مسلمان!

(ه) استناد به منابع غیر اصلی و یا رفتارهای عرفی غیرمعتبر

در برخی از نگاشته‌های مستشرقان، استناد به مصادر و منابع غیرمعتبر و نیز گزارش‌ها و روایات ضعیف‌السند دیده می‌شود و مهم‌تر از این که همین روایات را مبنای فکری و اعتقادی مسلمانان یا شیعیان قرار می‌دهند و به نقد و بررسی و رد آن همت می‌گمارند. از آن‌جا که بسیاری از نویسندگان این آثار، حاصل مشاهدات خود را می‌نگارند، به رفتارهای دینی عوام و عرفیات توجه بیشتر دارند تا آن‌چه در متون اصیل دینی وجود دارد و این مسئله موجب ورود خرافات و پیرایه‌ها به کتب مستشرقان و در نتیجه مقاومت علمی آنان در موضوع موردنظر می‌شود که در بخش مصادیق به برخی از نمونه‌ها خواهیم پرداخت.

(و) تأکید بر اقتباس اسلام از تعالیم یهود نصارا و قوانین رومی

اصرار شدید مستشرقان بر این که خاستگاه اصلی دین اسلام، تعالیم یهودیت یا مسیحیت است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از آنها آگاه بودند و در بزنگاه مناسب اجتماعی، آن‌ها را به پدیده جدیدی با نام اسلام تبدیل کردند! در اکثر کتب خاورشناسان قابل تأمل و بحث‌برانگیز است. بروکلیمان^۱، گوستاولوبون^۲، فیلیپ حتی^۳ و... در کتب خود بر این نکته پا می‌فشارند که اسلام از مسیحیت و یهود اقتباس شده است. هم‌لیتون گیب در مورد منابع و کیفیت تحول و تقابل آرای مذهبی که

۱. تاریخ الشعوب الاسلامیه، ص ۷۰.

۲. حضارة العرب، چاپ سوم، دارالحیاء التراث العربی، بیروت ۱۹۷۹.

۳. تاریخ العرب المطول، ص ۱۸۱، دارالکشف، بیروت.

شرح و تفصیل آنها در قرآن آمده، با ذکر این نکته که مسلمانان چنین بحثی را کفرآمیز می‌دانند، می‌نویسد:

محققان قدیم، وجود یک منبع یهودی و پاره‌ای از ملحقات نصرانی را اصلی مسلم گرفته بودند [در تحول آرای دین اسلام و قرآن] و تحقیقات جدیدتر، قطعاً ثابت کرده که وجود نفوذهای عمده خارجی را می‌توان تا مسیحیت سریانی دنبال کرد.^۱

وی با تعبیر «قرآن در نوسان است در بین مفاهیم قضا و قدر و جبر از یک‌سو و اراده آزاد و تفویض و اختیار از سوی دیگر» و این جمله که «در یکی از قدیمی‌ترین قرائت‌های یکی از سوره‌های قرآن...» و جملات دیگر، اعتقاد خود را مبنی بر این که مفاهیم قرآنی به مرور زمان تکامل یافت و ابتدا ساده و به صورت شعر بود، بیان می‌کند. او معتقد است، دین اسلام به مرور زمان به دینی کامل تبدیل شد و سیر تحولی را حتی برای آیات قرآن! بیان می‌کند.^۲ روم لاندو تأثیر اسلام از یهود و تعالیم تلمود را پررنگ‌تر از تأثیر آن از مسیحیت می‌داند و در مواردی به آیات قرآن اشاره می‌کند.^۳ السعدی نیز به نقد دیدگاه‌های مستشرقان در مورد تأثیرپذیری تام اسلام از یهودیت و نصرانیت، پرداخته است. وی امی بودن پیامبر ﷺ را که مانع مطالعه کتب نصرانیت و یهودیت می‌شد و تفاوت تعالیم و احکام فقهی مندرج در تلمود و قرآن و پرورش پیامبر اکرم ﷺ در دامن عرب و دوری از یونانیان و رومیان که علت تأثیرناپذیری اسلام از قوانین رومی است موارد دیگری را مطرح نموده و به نقد آثار مستشرقان می‌پردازد.^۴ در برخی آثار مستشرقان به تأثیر اسلام از عرف و عرفیات زمان و نیز تقلید این دین از احکام قبل از اسلام اشاره شده که به راحتی قابل بحث است. برخی احکام اسلام با احکام جاهلیت تشابه دارد، اما این دلیل بر اقتباس از آنها نیست. با ظهور اسلام برخی از احکام جاهلی که با عقل و فطرت

۱. اسلام و بررسی‌های اسلامی ص ۵۵.

۲. همان، ص ۵۶.

۳. الاسلام والعرب، ترجمه منیر البعلکی، چاپ اول ص ۴۰ - ۴۹، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۹۶۲.

۴. تمیز الامة الاسلامية، ج ۱، ص ۳۴۳.

متناسب بود امضا گشت و برخی که منافات داشت، رد شد و پاره‌ای دیگر تعدیل گردید. دوموهبین علت اقتباس قانون‌گذاری اسلام از روم را حضور بنی‌امیه در شام می‌داند و معتقد است به همین دلیل که بنی‌امیه احکام رومی را خوب می‌دانستند، قوانین اسلامی را از آن گرفتند.^۱

آسیب‌های محتوایی تحلیل‌های مستشرقان

تنزل حقیقت دین اسلام از شریعت الهی به نهضت اجتماعی و یا انقلاب در سطح جامعه عرب شبه‌جزیره از جمله برنامه‌های سیاسی مخالفان دین اسلام بوده است، این که اسلام زائیده اوضاع اجتماعی زمان و مکان بوده و یا حاصل تنش‌های موجود در عصر جاهلیت و یا محصول حرکت اعتراض‌آمیز پیامبر به اوضاع اجتماعی، دیدگاهی است که عموماً در پس‌زمینه تحلیل‌های مستشرقان می‌بینیم. اینک با ذکر پاره‌ای از نمونه‌های تحلیل‌ها در چهار مقوله به بررسی آنها می‌پردازیم:

۱. ماهیت دین اسلام و تحلیل‌های مستشرقان

در تعریف مستشرقان از اسلام، به طور نسبی موارد ذیل مشاهده می‌شود؛ یکم. اسلام دین صحرا و صحرانشینان است و به قشر خاص محدود می‌شود دوم. اسلام نهضتی اجتماعی و نتیجه کنش و واکنش بین فرد (محمد ﷺ) و محیط است؛

سوم. اسلام، دین طایفه قریش است که بر دیگر آیین‌ها پیروز شد؛ چهارم. اسلام، الهامی است که محمد از یهود و مسیحیت گرفت تا خلأ جامعه خویش را پر کند؛

پنجم. اسلام، آیین اخلاقی است، نه یک پدیده سیاسی اجتماعی. بدیهی است موارد دیگری یافت می‌شود. اما با اندک تسامح می‌تواند زیر مجموعه یکی از این مؤلفه‌ها باشد. با نگاهی دقیق‌تر به تحلیل‌ها و به عبارت بهتر تعریف مستشرقان از اسلام، مسئله تحدید و تنگ کردن قلمرو اسلام و

۱. عالم‌نو اسلام، ص ۱۸۷.

منطقه‌ای دانستن این دین نزد آنان روشن می‌شود. بر اساس آیات قرآن کریم دین اسلام فرازمانی و فرامکانی بوده، به بشر مستعد هدایت تعلق دارد و پیامبر اکرم ﷺ نیز راه‌نما و هدایت‌گر عموم انسان‌ها هستند آیات ذیل بهترین مستند بر ادعای مذکور است:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا﴾^۱

ما، تو را جز [به سمت] بشارت‌گر و هشدار دهنده برای تمام مردم نفرستادیم.

﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾^۲

خجسته است کسی که بر بنده خود فرقان را نازل فرمود تا برای جهانیان هشدار دهنده باشد.

﴿إِنَّمَا لِإِخْدَى الْكُفْرِ نَذِيرًا لِلْبَشَرِ﴾^۳

آیات [قرآن] از پدیده‌های بزرگ بوده که بشر را هشدار دهنده است.

هم‌چنین روایاتی که به زمان ظهور حضرت حجت علیه السلام و گستردن سایه اسلام بر زمین اشاره دارد، مؤید این مطلب است؛ مانند «تملاء الارض من الاسلام»^۴ در آن روز دین اسلام زمین را فرا می‌گیرد و هم‌چنین «یبلغ سلطانه المشرق و المغرب»^۵؛ حکومت او مشرق و مغرب زمین را فرا می‌گیرد.

آیات و روایات مذکور، قرآن، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حکومت حضرت مهدی علیه السلام و پیام دین اسلام را جهانی ذکر نموده و مخاطب این شریعت را نوع بشر و جهانیان می‌داند نه عده محدودی مانند مسلمانان یا شرقی‌ها یا اعراب. اکنون به ذکر مصادیقی از دیدگاه‌های مستشرقان در مورد حقیقت اسلام و ماهیت آن می‌پردازیم:

از مجموعه مطالبی که مستشرقان در مورد اسلام و ظهور این دین و کیفیت آن مطرح می‌کنند، می‌توان دریافت که اسلام را دین صحرا می‌دانند و معتقدند

۱. سوره سبأ، آیه ۲۸.

۲. سوره فرقان، آیه ۱.

۳. سوره مدثر، آیه ۳۵ - ۳۶.

۴. سید بن طاووس، الملاحم و الفتن، ص ۱۷۳، چاپ اول، مؤسسه صاحب الامر علیه السلام ۱۴۱۶.

۵. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه، علی اکبر غفاری، ص ۲۸۰، مؤسسه النشر الاسلامی، ۳۶۳.

یکتاپرستی با فرهنگ صحرائشینی کاملاً همسو است^۱ از این رو مردم صحرا به راحتی آن را پذیرفتند. به نظر آنان اهل بادیه برای رزق و روزی خویش چشم به آسمان می‌دوزند و بر اساس گزارش‌های تاریخی، زور و ظلم ستم‌گران را نمی‌پذیرند. تعبیر گیب در این مورد که به نقل از «ارنست رنان» می‌آورد، تأمل برانگیز است.

یکتاپرستی، دین طبیعی صحرا بود و اصرار پیامبر اسلام ﷺ! بر توحید، واکنشی بوده است از کویرهای فراخ و همگون عربستان. چنان که گفته شده برای پیامبر، دین، عکس‌العمل کلی وجود او در مقابل رفع بود که خود را در آن می‌یافت.^۲

نکته جالب توجه این است که کویرهای فراخ و همگون عربستان سالیانی دراز با همین ویژگی‌ها، وجود داشته و رفتارهای اجتماعی عرب عصر جاهلی یک‌باره تغییر نکرده بود تا واکنش آن، ظهور اسلام باشد! گیب پس از نقل سخن رنان، این اندیشه را رو به زوال می‌داند و اسلام را فراتر از کنش‌های طبیعی تعریف می‌کند.

ویل دورانت دین اسلام را به طایفه‌ای خاص محدود می‌کند و می‌نویسد:

«الله» نام بت قریش بود.^۳

وی با این جمله، گسترش اسلام در شبه‌جزیره را پیروزی بت قریش بر دیگر بت‌ها می‌داند؛ در حالی که در متون اولیه تاریخی و روایی چنین مطلبی دیده نمی‌شود و ظاهراً برداشت شخصی او از اسلام است.

همیلتن گیب اسلام را نتیجه کنش و واکنش میان نبوغ محمد ﷺ و محیط می‌داند و می‌نویسد:

از یک سو پیامبر ﷺ مانند هر شخصیت خلاق دیگر، از فشار محیط و

۱. اسلام و بررسی‌های اسلامی، ص ۲۱.

۲. آ.ج. آربری و دیگران، تاریخ اسلام، پژوهش دانشگاه کمبریج، احد آرم، ص ۶۳، انتشارات/میرکبیر، تهران ۱۴۷۷.

۳. ویلیام دورانت جیمز، تاریخ تمدن (عصر ایمان - بخش اول)، ابوطالب صارمی و دیگران، ج ۴، ص ۲۱۴، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳.

مقتضیات خارجی رنج می‌برد و از سویی توانست راهی تازه در آرا و افکار زمان و مکان خود بگشاید.^۱

این دیدگاه که اسلام حاصل اوضاع نامناسب اجتماعی در عصر جاهلیت بوده، در آثار بسیاری دیگر از مستشرقان دیده می‌شود. ویل دورانت با همین دیدگاه می‌نویسد:

محمد ﷺ دید که مردم خلأ دارند و چون با تعالیم یهود و مسیحیت آشنا بود، لذا دین تازه‌ای آورد. در واقع اسلام موردنظر او و دیگر هم‌فکرانش سنتزی است که از موقعیت‌ها و تضادهای اجتماعی موجود به وجود آمد نه یک ضرورت که از ناحیه خداوند برای هدایت و نجات بندگان تعیین شده باشد.^۲

۲. شخصیت پیامبر ﷺ در تحلیل‌های مستشرقان

از تحلیل‌ها و تعاریف پاره‌ای از مستشرقان در مورد پیامبر اکرم ﷺ چنین برداشت می‌شود که برای شخصی، مقطعی و نقطه‌ای نمودن دین اسلام، تأکید خاصی بر اخلاق، خلاقیت و قدرت و نیروی مثبت، به‌ویژه نیروی معنوی آن حضرت دارند. گیب می‌نویسد:

استمداد مردم مدینه از پیامبر ﷺ به جهت سجایای اخلاقی وی بود نه به علت تعالیم دینی‌اش^۳

بین برجسته‌نمایی اخلاقی پیامبر ﷺ و تعبیر سیاسی «اسلام یک آیین اخلاقی است نه پدیده‌ای سیاسی و اجتماعی» که بیشتر مستشرقان مطرح کرده‌اند، رابطه‌ای تنگاتنگ وجود دارد و اولی مقدمه‌ای برای رسیدن به نتیجه نهایی به شمار می‌آید و آن هم فردی، شخصی و منطقه‌ای دانستن دین اسلام است. در مورد رسول خدا تحلیل دیگری وجود دارد که آن هم بر شخصی بودن حرکت پیامبر ﷺ و به اصطلاح، زمینی بودن آن تأکید دارد. گفته شده است: محمد ﷺ در آغاز کار، فقط داعی و مبلغ خودآگاه دینی جدید نبود؛

۱. اسلام و بررسی‌های اسلامی، ص ۴۲.

۲. تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۲۱۵.

۳. اسلام و بررسی‌های اسلامی، ص ۵۱.

مخالفت و جدل با مردم مکه بود که وی را از یک مرحله دعوت به مرحله دیگر راند؛ هم‌چنان که مخالفت بعدی کفار در مدینه به شکل گرفتن نهایی اسلام منجر شد.^۱

بر این اساس، دعوت پیامبر ﷺ به اسلام سیری تکاملی را طی می‌کند و موقعیت‌های پیرامون در این حرکت تأثیر زیادی داشته و حتی عامل اصلی بودند. افزودن بر تأکید روی اخلاقی بودن پیامبر ﷺ، در برخی منابع بر ضعف اقتصادی و فقدان مالکیت پیامبر ﷺ و تأثیر این وضعیت در ایجاد انقلابی به نام اسلام اشاره شده است:

خود محمد که یتیم به دنیا آمده بود و بنابر رسم اعراب، حقی به تصرف در اموال پدر نداشت و از سوی دیگر از شایستگی خود برای مدیریت آگاه بود. ناگزیر می‌باید از وضع اجتناب‌ناپذیر کسانی که از حلقه بازرگانان بزرگ بیرون مانده بودند، به خوبی آگاه بوده باشد... او پس از ازدواج با خدیجه آسایش پیدا کرد، ولی یاد سال‌های سخت گذشته بدون شک در ذهن او باقی بود.^۲

بنابر دیدگاه نویسندگان کتاب *تاریخ اسلام*، پژوهش کمبریج، وضعیت اقتصادی پیامبر ﷺ و محرومیت او از امکانات اقتصادی موجب قیام و اعتراض و جذب گروهی سرخورده و زخم خورده اقتصادی و سرانجام اختراع دین اسلام شد. گیب به ناآرامی و نگرانی درونی پیامبر ﷺ اشاره کرد، می‌نویسد:

نگرانی و ناآرامی درونی محمد ﷺ از وجود بی‌عدالتی اجتماعی و مکر و نیرنگ، باعث جوش و خروش درونی در وجود وی شد و این جوش و خروش درونی به صورت تبلیغ و دعوت به یک انقلاب سیاسی بروز نکرد، بلکه در مجرای دینی افتاد و به اعتقادی راسخ و تزلزل‌ناپذیر منتهی شد.^۳

این جمله دقیقاً دین اسلام را عقیده‌ای شخصی و خصوصی و به دور از ابعاد سیاسی و اجتماعی تفسیر می‌کند و از سوی دیگر، بشر ساختگی آن و غیرالهی

۱. همان، ص ۵۷.

۲. *تاریخ اسلام*، پژوهش دانشگاه کمبریج، ص ۷۱.

۳. *اسلام و بررسی‌های اسلامی*، ص ۴۳.

بودن تعالیم، به صورت ظریفی درین تحلیل، گنجانده شده است. در واقع نویسنده، دین را ثمره جوش و خروش درونی شخص پیامبر ﷺ از موقعیت اجتماعی و سیاسی می‌داند که در مجرای دین افتاده است نه سیاست. به عقیده رژی بلاشر، پیامبر ﷺ در آغاز نمی‌دانست برگزیده خدای قادر است و سخنانش سرآغاز تبلیغی بود که بر اثر دنیای عرب دگرگون شد، لذا به فکر حفظ وحی نیفتاد.^۱

رابرت هیوم پس از تأکید بر این که پیامبر ﷺ، مطالبی در مورد یکتاپرستی از یهودیان و مسیحیت فراگرفته بود و از آن برای ساختن دین جدید استفاده کرد، بخشی با عنوان «پاره‌ای از خصایص قابل نکوهش»^۲ آورده و به توصیف منفی‌نگرانه در مورد پیامبر ﷺ می‌پردازد و آن حضرت را فردی کینه‌جو و در عین حال مهربان! می‌داند و از تضادهای رفتاری پیامبر ﷺ می‌نویسد. این کتاب سرشار از تحلیل‌های متعصبانه و غیرمنصفانه است که اکثر آنها از اطلاعات نادرست و یا برداشت‌های غیرواقعی نویسنده نشأت می‌گیرد. وی دین اسلام را با تعبیر «دین محمدی» می‌آورد تا بر فردی و شخصی بودن آن تأکیدی بیشتر داشته باشد.^۳ او که بنابر برخی تعاریف، شرق‌شناس نیست، در کتاب *ادیان زنده جهان*، قبل از مسیحیت! به دین اسلام پرداخته و مطالبی از مستشرقان متعصب آورده است. آنه ماری شیمل با اشاره به مقاله آرتور جفری در مورد «پیامبرشناسی ابن عربی» به نقل از وی می‌نویسد:

شیخ مصطفی مراغی به اسقف کلیسای انگلستان در مصر گفت: متداول‌ترین علت رنجشی که مسیحیان از مسلمانان دارند این است که مسیحیان مطلقاً ناتوانند از درک حرمت بسیار والایی که مسلمانان برای شخص پیامبر ﷺ قائل هستند.^۴

۱. در *آستانه قرآن*، محمود رامیار، ص ۳۰، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، قم ۱۳۶۳.

۲. رابرت هیوم، *ادیان زنده جهان*، عبدالرحیم گواهی، چاپ دوازدهم، ص ۳۶۴، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۸۳.

۳. همان، ص ۳۳۵.

۴. *محمد رسول خدا*، حسن لاهوتی، تهران ۱۳۸۵، چاپ سوم، ص ۲، انتشارات علمی و فرهنگی.

افزون بر موارد پیش گفته، علل دیگری نیز موجب نگارش مطالب توهین‌آمیز مستشرقان شده است. در تحلیل‌های برخی از آنها، پیام اسلام و محمد ﷺ نیز به گونه‌ای غیر منصفانه تحلیل شده است آنها عموماً تأکید دارند که پیام قرآن برخاسته از تعالیم یهود و مسیحیت است که پیامبر ﷺ با آنها آشنا بود.^۱ این ادعا در صورتی مطرح می‌شود که «امی» بودن پیامبر ﷺ را عموم تاریخ‌نویسان و مستشرقان قبول دارند. برای نمونه برخی نوشته‌اند:

دانشمندان یهودی و مسیحی، گاه پیام‌های قرآن را در صورت ابتدایی و نهایی آن، بازتاب رنگ پریده‌ای! از بعضی تعلیمات موجود در عهد قدیم و عهد جدید دانسته‌اند.^۲

نکته دیگری که در تحلیل‌های پاره‌ای مستشرقان در مورد پیامبر ﷺ دیده می‌شود، انتقادهای و اعتراض‌هایی است که به دیدگاه‌های شخصی و رفتارهای فردی آن حضرت می‌شود. در تحلیل دین اسلام، شخصیت پیامبر ﷺ غالباً تکریم شده تا ماهیت الهی دین تحت الشعاع اخلاق فردی پیامبر ﷺ قرار گیرد، اما در مقام بررسی شخصی پیامبر ﷺ بزرگ‌نمایی مطالب ذیل دیده می‌شود:

- علاقه شدید پیامبر ﷺ به زنان و داشتن همسرانی زیبا که گاه این تحلیل‌ها بسیار وقیحانه می‌شود و شخصیت پیامبر ﷺ را در حد مردان عادی پیرو هوس تنزل می‌دهد. جان دیون پورت در کتاب *عذر تقصیر به پیشگاه محمد ﷺ و قرآن* به این شبهه مستشرقان پرداخته، پاسخ‌های مناسبی می‌دهد. تعدد زوجات، متعه و برخی احکام زنان در اسلام موجب موضع‌گیری برخی مستشرقان شده است که پرداختن به آن در محدوده بحث ما نمی‌گنجد.

- جنگ‌های صدر اسلام را راهی برای کشورگشایی و فتح سرزمین‌های شرق و غرب می‌دانند. با توجه به گزارش‌های موجود در مورد سبب وقوع نبردها و بررسی عمیق اوضاع در زمان حضور پیامبر ﷺ در مدینه می‌توان به بطلان این تحلیل و ادعا پی برد. پیامبر ﷺ هرگز جنگی را آغاز نکرد و آغازگر جنگ،

۱. تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۲۰۶.

۲. تاریخ اسلام، پژوهش دانشگاه کمبریج

طرف‌های مقابل بوده‌اند.^۱ پیامبر ﷺ قبل از ورود به هر میدانی با رزمندگان و جنگ‌آوران مسلمان سخن می‌گوید و حتی برای دشمن دعا می‌کند^۲ و مجاهدان را از امور خشونت‌بار باز می‌دارد.^۳

بررسی همین سخنان و دعاها و برنامه‌های نظامی پیامبر ﷺ، نشان می‌دهد که آن حضرت در صدد هدایت و دعوت مردم به اسلام بودند و لازمه رسیدن به مقصد، برداشتن موانع است.

– خشونت‌آمیز جلوه دادن احکام اسلام و رفتار پیامبر ﷺ. ویل دورانت با نقل جریان قتل عصماء بنت مروان می‌نویسد:

پس از پیروزی در بدر، پیامبر اسلام ﷺ نیرو گرفته و رسوم جنگ را به کار بست و به دفع مخالفان پرداخت. از جمله زنی شاعر به نام عصماء که با اشعار خود به پیامبر ﷺ تعرض کرده بود، توسط عمیر که نابینا بود و به خانه او رفت و سینه‌اش را درید، کشته شد.^۴

با بررسی کتب سیره و مغازی می‌توان به شخصیت عصماء و نقش او در ویرانی اسلام پی برد؛ به گونه‌ای که واقدهی از این جریان با تعبیر «سریه قتل عصماء بنت مروان» یاد می‌کند؛ به این معنا که عمل عمیر جهاد بوده و با عصماء به علت مفسد بودن باید مبارزه می‌شد و جرم او را با جمله «کانت تؤذی النبی، تعیب الاسلام و تحرض علی النبی»^۵ بسیار بزرگ می‌شمارد. به یقین نابودی چنین افرادی، اعطای حیات به جامعه است. نذیر حمدان در کتاب *الرسول فی کتابات المستشرقین* به دیدگاه‌های شرق‌شناسان در مورد پیامبر ﷺ پرداخته که در مورد پاره‌ای از آنها می‌توان بحث کرد، ولی برخی مطالب چنان سست و بدون استناد است که قابل بررسی نیست.^۶

۱. الشامی، محمد بن صالح یوسف، *سبل المهدی*، تحقیق شیخ عادل عبدالموجود، ج ۵، ص ۱۸۷ دارالکتب العلمیه، بیروت ۱۴۱۴.

۲. *سیره ابن هشام*، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمدی، ج ۴، ص ۲۳۷، مکتبه محمد علی صبیح و اولاده، ۱۳۸۳.

۳. محمد بن واقدی، عمر، *المغازی*، تحقیق دکتر مارسدن جویس، ج ۲، ص ۷۵۲، نشر دانش اسلامی، ۱۴۰۵.

۴. *تاریخ تمدن*، ج ۴، ص ۲۱۵.

۵. *المغازی*، ج ۱، ص ۱۷۲.

۶. دارالمناره للنشر و التوزیع، جده.

3. مسلمانان صدر اسلام در تحلیل مستشرقان

در پی تعریفی که مستشرقان از اسلام دارند، تعریف جمعیت مسلمانان در صدر اسلام نیز نمایان می‌شود. اگر اسلام نتیجه اعتراض و حاصل کنش‌های طبیعی و جامعه‌شناختی است، پس جامعه مسلمانان نیز معترضانی هستند که اوضاع اجتماعی خاصی حضور داشتند و با قیام و تغییر وضعیت موجود به اهداف خویش رسیدند. بر اساس چنین تحلیلی، دین اسلام و مسلمانان به زمان خاص محدود بوده، پیام جهانی نخواهد داشت. در کتاب *تاریخ اسلام پژوهش دانشگاه کمبریج* آمده است:

اسلام یک آیین اخلاقی است نه یک پدیده سیاسی، اجتماعی، و زائیده شرایط اجتماعی آن زمان است. موقعیت بازرگانی در دوره جاهلیت و مشکلاتی که عده‌ای از افراد داشتند، عامل پذیرش سخنان پیامبر ﷺ شد.^۱

بر اساس تحلیل، تعالیم و مفاهیم دینی در جذب مسلمانان‌های اولیه نقش مهمی نداشت، بلکه موقعیت اقتصادی و اجتماعی و مشکلات موجود، آنها را مستعد پذیرش انقلابی کرد که نام آن اسلام بود! در این تحلیل‌ها و بنابر این ایده، جوانان شبه جزیره و پذیرندگان اولیه اسلام، جامعه‌ای معترض، سرخورده، و شورشی و بدون طرح و برنامه بودند و اگر هر نوع تغییری غیر از ظهور اسلام هم در چنین جامعه‌ای ایجاد می‌شود، می‌پذیرفتند. مؤثر در تحلیلی عوامانه و سطحی که علامه جعفری آن را عامیانه‌تر از این می‌داند که مورد تحقیق و انتقاد قرار دهد، می‌گوید:

این حادثه که محمد توانست نزاع بین سه نفر از شیوخ عرب را فیصله دهد، این فکر را تقویت نمود که او احتمالاً می‌تواند رهبر دینی بزرگی برای مردم باشد که در آن زمان به گونه تأثیر آمیزی با اختلافات داخلی و قبیله‌ای دست به گریبان بودند.^۲

شخصیت و تفکر مسلمانان صدر اسلام و پیروان نخستین پیامبر اکرم ﷺ در این سخن چنان تنزل یافته که گویی آنها برای سعادت و نجات جامعه خویش

۱. ص ۶۵ - ۷۰.

۲. *ادیان زنده جهان*، ص ۱۱۳.

در پی حل اختلافات قبیله‌ای بودند و هر فردی با هر ایده و آرمانی که می‌توانست چنین کاری را انجام دهد، رهبر خویش برمی‌گزیند. بر اساس تعاریفی که از دین اسلام و مسلمانان شد، در کتاب *تاریخ اسلام*، پژوهشی *کمبریج*، مسلمانان که پذیرفتگان تعلیمات قرآنی بودند و خود را پیروان حضرت محمد ﷺ می‌نامیدند، به طور خاص تحت تأثیر وضع آن روز مکه قرار گرفته بودند. این مسلمانان به سه گروه تقسیم می‌شدند:

یکم. برادران جوان و پسران بازرگانان؛

دوم. مردان مهم‌تری که در عشیره خود از مقام درجه اول سقوط کرده بودند؛ سوم. بیگانگانی که هنوز تحت حمایت هیچ عشیره‌ای قرار نگرفته بودند و مستضعف خوانده می‌شدند.^۱

به نظر می‌رسد چنین تحلیل‌ها و تعاریفی برای زید بن حارثه، عمار بن یاسر، مصعب بن عمیر و... کمال بی‌انصافی است و اندک شناختی از هسته اولیه مسلمانان، بطلان این ادعاها را روشن می‌کند.

۴. شیعه و تشیع در تحلیل‌های مستشرقان

تحلیل‌های مستشرقان در مورد تشیع و باورهای شیعیان افزون بر این که از تعاریف مفهومی و تحلیل‌های آنان از اسلام و پیامبر ﷺ نشأت می‌گیرد، نوعی ایرانی‌گرایی را نیز برمی‌تابد. پیوند بین تشیع و مردم ایران و باورها و علایق آنان همیشه مورد توجه شرق‌شناسانی بوده که به منطقه‌ای و مقطعی بودن اسلام اعتقاد دارند. در مجموع بحث در مورد تشیع حول محور دو مطلب است:

الف) پیدایش اصل تشیع و ماهیت آن؛

ب) گرایش ایرانیان به تشیع و علل آن.

در مورد اصل پیدایش و ماهیت تشیع، پاره‌ای از مستشرقان آن را جنبشی سیاسی می‌دانند. به عقیده گیب، تشیع جنبشی سیاسی در میان اعراب است که به تدریج این آرمان سیاسی برای خود پایگاه اعتقادی یافت.^۲

۱. ص ۷۰، ۷۱.

۲. اسلام و بررسی‌های اسلامی، ص ۱۳۸.

موریس پرنو، جهان‌گرد فرانسوی با اتکا به نقل یکی از شیعیان ایرانی معتقد است تشیع، صورت جنبشی برای اعتراض و دفاع ملی را دارد.^۱ وی کتابی به نام *زیر آسمان ایران* دارد و مشاهدات خود در ایران را نگاشته و مستندات او رفتار عرفی ایرانیان است. بنابراین آراء، تشیع نیز مانند اصل اسلام نتیجه اعتراض و مخالفت‌هاست؛ البته تفاوت این دو ظاهراً در این است که اصل اسلام بر اساس اعتراض و مخالفت اقتصادی و اجتماعی - و نه سیاسی - به وجود آمد، ولی تشیع در دل اسلام به عنوان اعتراض سیاسی مطرح شد. دکتر ر. ناث، استاد دانشگاه راجستان هند با مطرح کردن شعوبیه و نقش آنها در شکل‌گیری تشیع می‌نویسد:

در اوج فعالیت فرهنگی - سیاسی شعوبیه در قرن سوم و به هنگام توطئه سیاسی مشترک عربی - ایرانی یعنی ولایت‌عهدی امام رضا علیه السلام تشیع شکل اصلی به خود گرفت و در همین زمان بود که افسانه شهربانو ساخته شد تا شعوبیان، عقاید شعوبی - شیعی خود را رسمیت دهند.^۲

بحث پیدایش شعوبیه و نقش آنها در تاریخ تشیع از موضوعات مهمی به شمار می‌آید که خارج از موضوع نوشتار حاضر است، اما بسیاری از مستشرقان در مورد آن بزرگ‌نمایی کرده‌اند تا بر سیاسی بودن تشیع بیشتر تأکید کنند. ایرانی دانستن باورهای شیعی و نزدیک نمایاندن این باورها با آیین ساسانی نیز ایده‌ای است که برخی مستشرقان ارائه کرده‌اند و کلاً تفکر شیعی را تفکری ساسانی تغییر شکل داده، می‌دانند. استووارد، نویسنده آمریکایی می‌نویسد:

آیین ساسانی به شکل اسلامی به نام مذهب شیعه نمایان گردید. دولت صفوی که بعدها تشکیل شد، همان دولت ساسانی بود که لباس اسلام را پوشیده بود.^۳

معمولاً برای ایجاد پیوند بین عقاید شیعیان و عقاید کهن باستانی تلاش بسیاری می‌شود و این شاهد به علت جایگاه ویژه‌ای است که ائمه شیعیان نزد

۱. نک: مقاله ساتن، ل. ب، الویل «ایران»، ترجمه علی جواهرکلام، ص ۲۵.

۲. نک: *اسلام در ایران*، ص ۱۰۷.

۳. *عالم نو اسلام*، ج ۱، ص ۲۳۱.

آنها دارند و تقدس و طهارتی که برای آنان قائل هستند، به جایگاه قدیسان شباهت دارد.
گیب می نویسد:

نام شیعه در ابتدا پوششی بود که در زیر آن، انواع و اقسام عقاید شرقی اعم از بابلی، ایرانی و حتی هندی در اسلام ترویج می شد...
قاعده کلی این بود که عناصر یونانی، خود را به گروه اکثریت یا «سنی» وابسته می کردند و حال آن که صاحبان عقاید کهن باستانی به پیروی از شخص علی علیه السلام گرایش داشتند.^۱

معلوم نیست این برداشت شخصی تا چه حد ارزش دارد که در کتاب علمی تاریخی مطرح شود! آیا نزدیک بودن برخی باورها که عقل و فطرت مؤید آنهاست، بر قرار گرفتن زیر پوشش یک دیگر دلالت می کند؟ در مورد رابطه تشیع و ایرانیان که ارتباط متقابل آنها مطرح می شود، می توان به جمله های زیر اشاره نمود:

- ایرانیان، علی علیه السلام را بر تخت خلافت نشاندند (دکتر بروخیم یهودی).
- علاقه ایرانیان به علی علیه السلام به علت نسبت حسین با ایرانیان است (احمد امین مصری).

- نتیجه شهادت حسین علیه السلام پیدایش فرقه شیعه شد.^۲
- بعضی ایرانیان از روی دشمنی با اعراب، خود را شیعه نمودند و با بنی امیه جنگ و ستیز کردند و منظور آنها به هم زدن خلافت عرب و تجدید استقلال و عظمت ایران بود.^۳

بدیهی است که تحلیل های فوق برای منطقه ای کردن شیعه و نژادی نمودن آن می کوشد تا با این تحدید و محدودسازی، از عظمت مفاهیم درون این مذهب کاسته شود و به حرکتی بشری تبدیل گردد. در این که تشیع برخاسته از اعتراض

۱. اسلام و بررسی های اسلامی، ص ۱۳۹.

۲. نک: علامه طباطبائی، شیعه، مجموعه مذاکرات با پروفسور هانری کربن، ص ۲۷۷ - ۲۸۵، هجرت، قم بی تا،

۳. «ایران نو»، ص ۲۵.

گروهی است که می‌دیدند حق پایمال می‌گردد و به نام دین، از دین فاصله گرفتند، سخنی نیست اما این تفکر و اندیشه‌ای که در فرهنگ شیعی دیده می‌شود، «انسان‌ساخته» نیست، بلکه برگرفته از تعالیم ائمه علیهم السلام است و در نتیجه با قرآن و تعالیم الهی فاصله‌ای ندارد.

هاینس هالم پس از آن که به اعتقاد شیعیان در مورد نص در جانشینی حضرت علی علیه السلام اشاره می‌کند، نظر اهل سنت را چنین می‌نگارد که: پیامبر صلی الله علیه و آله با این بیان (من كنت مولاه فهذا علي مولاه) می‌خواسته از قدرت تضعیف شده علی علیه السلام که سبب جدی بودن وی و در نتیجه از دست دادن وجهه عمومی او بود، پشتیبانی کند! وی پس از اندیشه‌های شیعه و سنی، می‌نویسد:

منظور پیامبر صلی الله علیه و آله از بیان این سخن در غدیر خم هر چه بوده باشد، احتمالاً تعیین جانشین نبوده است.^۱

هم‌چنین او عقیده دارد، در زمان آل‌بویه روز غدیر، عید محسوب شد و این از تحلیل‌های غیرکارشناسانه اوست؛ زیرا روایات متعددی از قرن دوم در مورد عید بودن غدیر خم وجود دارد. البته این مطلب که شیعیان، اعتقادات خود را در زمان حکومت شیعی آل‌بویه به راحتی ابراز و اظهار می‌کردند و تقیه چندقرنی خود را وانهادند، انکارناشدنی است، اما اصل عید بودن غدیر به سال‌های قبل از حکومت آنان برمی‌گردد.

اساساً مستشرقان در ایجاد ارتباط تنگاتنگ بین ایجاد تفکر شیعی (و اجرای آیین‌نامه‌های آنان) و حکومت آل‌بویه اصرار فراوان دارند و همین باعث شده است که عده‌ای از همین نویسندگان به دفاع از حقایق تاریخی برآیند و این تأکید غیرعلمی همکارانشان را زیر سؤال ببرند.

آدام متز به نقل از ولهاوزن ادعاهای واهی در مورد این که برخورد ایرانی در برابر اسلام موجب ایجاد تشیع شد را رد کرده، می‌نویسد:

شیعه عکس‌العمل روح ایرانی در برابر اسلام نیست و مؤید این نظر، پراکندگی جغرافیایی شیعه در قرن چهارم است.^۲

۱. هاینس هالم، تشیع، محمدتقی اکبری، ص ۲۹، نشر ادیان، قم ۱۳۸۴.

۲. تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، علی‌رضا ذکاوتی قراگزلو، چاپ سوم، ص ۷۵، امیرکبیر، تهران ۱۳۷۷.

به عقیده وی، مبارزه‌ای که خوارج با دستگاه خلافت آغاز کرده بودند به شیعیان مهدی‌گرا، قرمطیان و فاطمیان رسید و این نشانه‌ای بود که به سرآمدن دوران اولیه اسلامی را ندا می‌داد! به نظر وی پیدایش فرقه‌های شیعی عمده‌ترین ممیز جریان فکری در قرن چهارم بوده که حامل بسیاری از اندیشه‌های کهن شرق بودند و این اندیشه‌ها را جانشین بعضی اصول اسلامی کردند.^۱

برخی دیگر از مستشرقان معتقدند از همان صدر اسلام، جامعه اسلامی به دو فرقه سیاسی و دینی تقسیم شده بود که با گذشت زمان سیمای دینی آنها آشکارتر شد و اکثریت اهل سنت و شیعه و خوارج که برای خود معتقدات خاص داشتند، به وجود آمدند.^۲ هاینس هالم، شیعه را صرفاً به معنای خوب می‌داند و معتقد است بعد از کشمکش‌هایی که سر جانشینی عثمان در سال ۳۵ به وجود آمد، افرادی را که طرفدار علی بودند، شیعه نامیدند.^۳ او هم سیاسی بودن شیعه را در سرتاسر کتاب خود مطرح می‌کند.

آدام متز افزودن بر بحث ورود اندیشه‌های کهن شرق در تشیع، در بخش دیگری از کتاب خود می‌نویسد:

شاید تنها[!] خصوصیت تازه تشیع در قرن چهارم آن باشد که همه اخبار و آثار را به علی علیه السلام و خاندانش برمی‌گردانند که این کار با مخالفت شدید علمای سنی مواجه است.^۴

در تحلیل‌های متز نوعی رویارویی تشیع و اسلام دیده می‌شود، گویی اندیشه شیعی چیزی غیر از اسلام است و با آمدن آن دوران اولیه اسلامی به سر می‌رسد. اگر منظور وی اتمام دوران خلافت غصبی باشد که به نظر درست است و ظاهراً اندیشه شیعی مورد نظر او نیست. از آن‌جا که او شیعه را از پدیده‌های قرن چهارم می‌داند، شاید به حکومت آل بویه اشاره دارد و از نظر وی تشیع، اختراع آل بویه باشد! گفتنی است که آل بویه در ظهور و بروز تفکر

۱. همان، ص ۷۵.

۲. نک: تاریخ اسلام، پژوهش دانشگاه کمبریج، ص ۱۲۰.

۳. هاینس، هالم، ص ۱۵.

۴. تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ص ۸۱.

شیعی نقش مهم و اساسی داشتند، اما موجب پیدایش تفکر شیعی نشدند و خوارج متفرق در سرزمین‌های اسلامی نیز مؤسس فرقه شیعه نبوده‌اند و این پدیده از همان صدر اسلام به وجود آمد.

گیب می‌نویسد:

این‌که ایران وطن اصلی تشیع است، پاک‌بی‌بنیاد می‌باشد و زرتشتیانی که اسلام می‌آورند، به طور کلی پیرو مذهب تسنن بودند.^۱

چنان‌که گلدزیهر هم به طور نسبی همین عقیده را داشته، می‌نویسد:

اصول اولیه تشیع به ریشه بیگانه بر نمی‌گردد و ذاتاً عربی است.^۲

دکتر ر. ناث در کتاب خود سعی در تبرئه ایرانیان از اتهام و پیرایه پذیرش اسلام از سوی آنان به سبب مسائل قومی و نژادی دارد. به عقیده وی، تشیع ایرانیان به علت آگاهی، آزادی، عدالت اجتماعی و نظام ارزشی مبتنی بر فضایل عالی انسانی یعنی تقواست که از مشخصه‌های اسلام به شمار می‌آید.

در مجموع، آنچه از مطالب و تحلیل‌های مستشرقان دریافت می‌شود، ارائه تصویری فردگرایانه در مورد ائمه علیهم‌السلام و تقلیدی از آیین‌های کهن و سیاسی از تشیع و شیعیان است که برای رسیدن به اهداف خویش به جعل احادیث و یا برگرداندن آنها به امام اول خویش حریص هستند. این تصویر، از آن جهت که منعکس‌کننده حقایق درون‌متنی شیعه نیست و زاییده حدسیات و پیش‌فرض‌های مستشرقان است، پذیرفتنی نیست. ارائه نمونه‌های تحلیل مستشرقان در زمینه بررسی واژگان‌های کلیدی همچون: اسلام، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، مسلمانان صدر اسلام و تشیع، با توجه به شاخصه‌های تحلیلی آنان که در ابتدای نوشتار عرضه شد، مؤید این مطلب است که انگیزه‌های سیاسی، دینی و اقتصادی در بسیاری از موارد، این‌گونه محققان را از اظهار حقایق تاریخی و تحلیلی منصفانه بر اساس گزارش‌های موجود باز می‌دارد و به نظر می‌رسد برای مبارزه با چنین هجمه علمی — فرهنگی باید به طرح و برنامه‌های

۱. اسلام و بررسی‌های اسلامی، ص ۱۴۰.

۲. تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ص ۹۳، به نقل از کتاب العقیده و الشریعة فی الاسلام از گلدزیهر.

سازمان‌دهی شده علمی روی آورد و در واقع با ارائه آثار محققانه و مطابق با واقع، از تأثیر این گونه نوشتارها در جوامع غربی و اسلامی کاست.

نتیجه

بنابر مطالب پیش گفته، آثار و نگاشته‌های مستشرقان در دوره‌های مختلف به تقابل با یک‌دیگر می‌پردازد. از قرن نوزدهم به بعد شاهد آثاری هستیم که به نقد و رد نظریات مستشرقان پیشین می‌پردازند و در همین آثار نیز نشانه‌هایی از تعصب و مبارزه با اسلام دیده می‌شود اما بسیار کم‌رنگ‌تر می‌گردد. با بررسی آثار موجود به شاخصه‌های فکری و تحلیلی آثار مستشرقان پرداختیم و هفت شاخصه اصلی و برجسته را مطرح نمودیم. استفاده افراط‌گرایانه از ابزار عقل در تحلیل‌های تاریخی، تکیه بر حدسیات و برداشت‌های شخصی، تأکید بر مقطعی و منطقه‌ای دانستن دین اسلام و تعالیم آن، برجسته‌نمایی مسائل اختلاف‌انگیز درون‌دینی، استناد به منابع غیراصولی و رفتارهای عرفی غیرمعتبر، تأکید بر اقتباس اسلام از تعالیم یهود و نصارا، از جمله شاخصه‌های مذکور هستند.

پس از آشنایی با این شاخصه‌ها می‌توان به تحلیل علمی آثار مستشرقان پرداخت. مجموعه تحلیل‌ها حول محور چهار بحث عمده و کلیدی در دین اسلام مطرح می‌شود: دیدگاه‌ها و تحلیل‌های مستشرقان در مورد ماهیت اسلام و چگونگی پیدایش آن، تحلیل‌ها در مورد شخصیت پیامبر ﷺ و جایگاه او در پیدایش اسلام، تحلیل انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی از مسلمانان صدر اسلام و بررسی علل پذیرش اسلام از سوی آنان و در نهایت تحلیل‌های مستشرقان در مورد تشیع که در دو بعد مطرح می‌گردد و هم اصل پیدایش تشیع و ماهیت آن را بررسی می‌کند و هم ارتباط آن با ایران و ایرانیان را از بررسی مجموعه تحلیل‌های یاد شده که برای هر مورد به دو یا سه نمونه بسنده شده، می‌توان دریافت که آسیب اصلی محتوای آثار مستشرقان به محدود و منطقه‌ای و بومی دانستن تعالیم اسلامی برمی‌گردد و پی‌آمد این گونه تحلیل‌ها در نهایت به رد این دعوت همیشگی اسلام و مسلمانان می‌انجامد که اسلام دینی جهانی و پیام دین اسلام فرازمانی و فرامکانی است.

